

واکاوی ویژگی‌های بنیادین منظر روستایی از طریق کاربست نظریه زمینه‌ای مورد پژوهی: «روستای تاریخی فورگ»

لیلا کوبی*

استادیار گروه شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۰۸

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳

چکیده

در سکونتگاه‌های شهری و روستایی، انسان ضمن برقراری روابط فرهنگی-اجتماعی با جامعه، با محیط پیرامون خود نیز در ارتباط متقابل بوده، بر آن تأثیر گذاشته، از آن تأثیر می‌پذیرد و این تعاملات طی زمان تغییرات می‌یابد. در همین راستا تحولات روستایی در حال وقوع در ایران، در بلندمدت منظر روستایی را دستخوش دگرگونی می‌سازد. از آنجا که کارکردهای منظر روستایی در گذر زمان متنوع‌تر شده، امروزه در ارزیابی آن علاوه بر کیفیت‌های بصری، ابعاد محیط زیستی و ارزش‌های فرهنگی نیز مورد توجه قرار می‌گیرند. لذا واکاوی واکنش‌های ایجادشده در پی تأثیرگذاری عوامل پیش‌برنده در زمینه‌روستا، راهگشای درک بنیان‌های منظر روستایی و گامی به سمت دستیابی به منظر پایدار روستایی خواهد بود. روش این پژوهش کیفی بوده و هدف آن یافتن ردپای زمینه‌های وقوع فرایندهای منظرساز و واکنش‌هایی است که پی‌آمد آن به وجود آمده و اجزا و عناصر منظر روستایی را طی زمان شکل داده یا تغییر داده‌اند. با مراجعه به عرصه زندگی واقعی و بهره‌گیری از نظریه زمینه‌ای و مشاهده مشارکتی، فرایندها، واکنش‌های اثران و پیامدهای مؤثر در ایجاد منظر روستایی تحلیل و مرحله به مرحله تبیین شده‌است. نتایج نشان می‌دهد منظر روستایی فورگ بر ویژگی‌های بنیادینی از جمله: «برخاستن الگوی معماری بنا از فرم زمین و اقلیم»، «غلبه باورها و عقاید بر شکل‌گیری منظر روستایی»، «تجانس و همگنی بافت روستا با زمینه»، «شکل‌گیری منظر بر پایه امنیت» و «یکدستی و عدم تنوع منظر کشاورزی» بناشده است.

کلیدواژه

فورگ، مشاهده مشارکتی، منظر روستایی، نشانگر، نظریه زمینه‌ای.

۱. سرآغاز

طبیعی پیرامون خود هستند به‌گونه‌ای که کاپلان (۱۹۸۷) کیفیت‌های روستایی را در عجین بودن با طبیعت نهفته می‌داند و غنای حسی که در انسان شکل می‌گیرد را از مظاهر آن برمی‌شمرد. به بیان دیگر کیفیت منظر طبیعی روستا و تنوع‌های موجود در آن که ویژگی‌های عینی مکان محسوب می‌شود، به ارزیابی ذهنی انسان و فراهم آمدن حس تعلق او به محیط می‌انجامد (Paquette & Doman, 2003).

از دیگر سوی منظر روستایی منظر کاملاً کاربردی بوده که با زندگی و معیشت روستاییان عجین است (Porteous, 2013) و باورها، نگرش‌ها، سنت‌ها، و

مفهوم منظر علاوه بر خصوصیات عینی و ذاتی مکان، به احساس و ذهنیتی که انسان از محیط خود دریافت می‌کند نیز وابسته است و در مجموع به شکل‌گیری ادراک و ارزیابی فرد از فضای پیرامون می‌انجامد. به این ترتیب منظر شهری یا روستایی از طریق تجربه و در تعامل انسان با محیط و در گذر زمان آشکار و ادراک می‌شود و به دنبال وجود عوامل و متغیرهای اصلی‌تر، نمود و بروز می‌یابد (Antonson, 2018; Brouwer et al., 2009; Nasar, 1989). منظرهای روستایی برخواسته و در تطابق با محیط

این پژوهش رویکرد استقرایی داشته و هدف آن واکاوی زمینه‌های وقوع فرایندهای منظرساز برای یافتن ویژگی‌های منظر روستایی فورگ است. تغییر استراوس و کوربین (۱۳۹۷) از لزوم رفتن به عرصه زندگی واقعی انسان برای کشف واقعیت جریان‌ها در پدیده‌ها و اعمال انسانی که پیچیده و تنوع‌پذیرند، گویای ضرورت به‌کارگیری این روش است؛ تا بتوان از مناسبات متقابل میان زمینه وقوع، عمل (فرایند) و پیامدهای آن اطلاع یافت. دریافت پاسخ‌ها و واکنش‌های مردم نسبت به محیط به درک نیروهای شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر منظر روستایی، تحلیل روندهای منظرساز و پیامدهای ناشی از آن کمک می‌کند. با این مقدمه برخی چالش‌ها و سؤالات که در این پژوهش وجود دارند عبارت‌اند از:

منظر روستای فورگ تحت چه شرایط زمینه‌ای شکل گرفته است؟ تحولات منظر روستای فورگ تحت چه شرایط زمینه‌ای شدت گرفته است؟ نیروهای طبیعی و فرهنگی شکل‌دهنده منظر روستایی کدامند؟ ویژگی‌های بنیادین منظر متأثر از زمینه کدامند؟

۱-۱. منظر روستایی

مفهوم منظر نخست توصیف زمین و بعد جلوه‌ای تصویری و نمایشی از یک صحنه مطرح شده و در طول زمان تکامل یافته و در علوم مانند روانشناسی محیط، زیبایی‌شناسی محیط و اکولوژی تسری یافته است (Conzen, 2001). طبق این مفهوم، منظر واقعاً طبیعی - که از کوچک‌ترین تأثیر فعالیت‌های انسانی به‌دور بوده یا زمانی تحت تأثیر آن نبوده باشد - بسیار دشوار است (Tilt et al, 2007). منظر روستایی آمیزه‌ای از پیوند طبیعت با بافت روستا است که ترکیبی از جلوه‌های طبیعت، عملکرد، معیشت، سنت، تکنیک و هنر را نمایان ساخته، به‌گونه‌ای که پیچیدگی‌های طبیعی به‌همراه ریتم، تکرار، تضاد و تنوع در رنگ‌ها، اشکال، احجام، فرم‌ها و الگوها باعث هماهنگی موزون شده و جذابیتی خاص را برای انسانی فراهم می‌آورد که در

ارزش‌های مردمان یک سرزمین را منعکس می‌سازد. بنابراین ویژگی‌های منظر روستایی، مدارک ملموسی است از فعالیت‌ها و عادات مردمی که ساکن شده‌اند و زمین را برای تأمین نیازهای خود توسعه داده، استفاده کرده و شکل داده‌اند. از آنجا که این ویژگی‌ها از مکانی به مکان دیگر و از اجتماعی به اجتماع دیگر متفاوت است، هر سکونتگاهی از هویتی خاص برخوردار خواهد بود (Motloch, 2000; Gorka, 2016; Rovai et al., 2016). از این ویژگی می‌توان در تحلیل منظر روستایی استفاده کرد و از طریق خوانش منظر، به ارتباطات بین منظر ذهنی و ارزیابانه روستانشینان با آنچه به‌عنوان منظر عینی روستا نمود یافته و قابل مشاهده است پی برد. از این رو تحلیل ویژگی‌های بنیادین منظر روستایی نیازمند مطالعات ژرفانگر است تا بتوان زمینه‌های وقوع، شرایط علی و واکنش‌های به وجود آمده در پی آن‌ها - که بر منظر روستایی آن سرزمین تأثیرگذارده، آن را شکل داده یا متحول ساخته‌اند - را کشف کرد (Butler, 2014).

امروزه منظر سکونتی روستاها و محیط‌های طبیعی پیرامون آن دچار تغییرات عمیقی شده‌اند. پژوهش‌های پائولیت گویای شدیدتر بودن این تغییرات به‌ویژه در روستاهای دارای توان محیطی و پرجاذبه است (Pauleit et al., 2010). درحالی‌که «برخوردری از منابع جنگلی» و «کیفیت زمین‌های کشاورزی» به‌تنهایی منبع اصلی در قرن گذشته به‌شمار می‌آمده، در قرن ۲۱، «ویژگی‌های کیفی منظر روستایی» منبع اصلی توسعه مناطق روستایی است (Banski & Wesolowska, 2010; Domona, 2011). این موضوع گویای تغییر نگرش و عملکرد منظر روستایی و عناصر مؤثر بر آن‌ها طی زمان است. اما آیا تغییرات منظر روستایی در زمینه‌های ویژه و به‌عنوان واکنشی برای انطباق بهتر زندگی انسان با محیط رخ داده است؟ آیا عوامل بیرونی در شکل دادن یا تغییر دادن منظر روستایی نقش داشته‌اند؟ در این صورت آیا می‌توان ردپای این تغییرات را از خلال واکنش‌های مردم به محیط جستجو کرد؟

وابسته به منابع طبیعی است، گسترش بی‌رویه شهرها و کانون‌های متراکم جمعیتی به سمت حومه و نواحی روستایی پیرامون، سبب از بین رفتن فضاهای باز و سبز و ایجاد تحولات و تغییرات در منظرهای طبیعی روستا به‌ویژه نواحی کوهستانی و کوهپایه‌های حاصلخیز و رود دره‌ها شده است (شعبانی، ۱۳۸۵). عدم وجود ضوابط منظر یا عدم توجه به آن گسترش ساخت‌وسازها در حرایم طبیعی و بستر رودها، اختلال چرخه‌های طبیعی و تغییر منظر طبیعی روستا را در پی داشته است (Domon, 2011). حضور گردشگران در مناطق روستایی نیز رونق اقتصادی و پویایی اجتماعی محیط روستا را در پی دارد اما انسان در برخوردی متفاوت با طبیعت، به محیط طبیعی پیرامون خود صدمات جبران‌ناپذیری وارد ساخته و تنزل کیفی، به هم خوردن تعادل و کاهش جاذبه آن را سبب می‌شود (تقوایی، ۱۳۷۹).

ترویج الگوهای غیربومی با تغییر دادن نگاه و سلیقه کالبدی روستاییان بر فرهنگ بومی تأثیر گذاشته؛ به‌علاوه الگوبرداری از طرح‌های شهری و استفاده از الگویی برای مناطق مختلف بدون لحاظ زمینه استقرار روستا؛ به همراه بی‌توجهی طراحان به هویت کالبدی محیط و روح معماری و عدم تسلط طراحان (علی‌الحسابی، ۱۳۸۷)، همگی عواملی هستند که تحولات منظر روستایی را رقم می‌زنند. درحالی‌که با رجوع به پیشینه جوامع محلی می‌توان معیارهای مطلوب طراحی منطبق با نیاز و برخاسته از زمینه را به‌دست آورد، متأسفانه این موضوع در اغلب فرایندهای برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای زیست‌انسانی مغفول مانده و در نتیجه، برآیند عوامل فوق‌زمینه تضعیف هویت معماری و منظر روستایی را مهیا ساخته است.

۱-۳. تفسیر منظر از خلال خوانش کنش‌های

ذی‌اثران

به تعبیر الکساندر هر محیط ضمن داشتن کیفیت‌های ارزشمند، بازتابی از تمام واقعیت‌های شناخته شده خویش

این محیط قرار می‌گیرد. (بل، ۱۳۹۴؛ نصر، ۱۳۸۰؛ بورکهارت، ۱۳۸۱؛ الکسلاندر، ۱۳۸۱). در منظر روستایی الگوهای مختلفی از جمله الگوهای منظر طبیعی روستا، الگوهای منظر کشاورزی و استقرار فضایی و الگوهای منظر بافت کالبدی قابل‌شناسایی است (کوکبی، ۱۳۹۲). رمز معماری روستایی به بیان الیاده در این نکته نهفته است که برای روستانشین، ساختن خانه عبارت از آرایش نوینی از گیتی و زندگی اوست (الیاده، ۱۳۷۸). این بافت در طی سالیان بسیار و در پاسخ به رفع نیاز انسان (عملکرد) و ارتباط مستقیم انسان و طبیعت در محل روستا شکل گرفته و متکی بر ویژگی‌های جغرافیایی، توپوگرافی و تحت تأثیر عوامل محیطی و اقلیمی، نوع معیشت و کسب درآمد ساکنین و نحوه کاربری توسعه یافته است. وحدت، هماهنگی، سادگی و زیبایی از رمزهای اصلی معماری روستایی به‌شمار می‌آید (اکرمی و سامه، ۱۳۹۴). با توجه به تبعیت منظر روستایی از زمینه‌های طبیعی و فرهنگی و برخاستن از دانش جمعی و بومی، رابطه منطقی شکل و عملکرد در آن قابل مشاهده بوده؛ از منظرهای دیگر متفاوت و ابعاد پایداری در آن‌ها نهفته است (Gorka, 2016).

۱-۲. شرایط زمینه‌ای شکل‌گیری منظر و تحولات آن

زمانی که شرایط زمینه‌ای روستا و نظام‌های حاکم بر آن اعم از طبیعی و انسانی تغییر یابد، تحولات منظر روستایی نیز پدیدار می‌شوند و می‌توانند به دگرگونی نظام استقرار، شکل، بافت، شیوه‌های سکونت، ساخت‌وساز روستا، وسعت، کمیت و کیفیت زمین‌ها منجر شود (Palang, 2006). عواملی مانند پیشرفت‌های نوین در فنون و تجهیزات تولید و بهره‌برداری و افزایش تقاضای اجتماعی برای استفاده از آن‌ها، تغییر نگرش‌های جامعه روستایی، تغییرات کمی - کیفی منابع طبیعی در مناطق روستایی و معیشت متکی به آن و تغییر سیاست و ضوابط، سبب بروز تغییرات در منظر روستایی شده است (Antrop, 2005).

علاوه بر این درحالی‌که اقتصاد مناطق روستایی شدیداً

همکاران، ۱۳۹۰؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۶). طی آن پژوهشگر با حضور در مکان مطالعاتی و مشارکت با جامعه پژوهش، پدیده‌ها را در فرهنگ، زمینه و موقعیت طبیعی خود مشاهده کرده، واقعیت را می‌بیند، می‌شنود و تجربه می‌کند (Trochim, 1999؛ مارشال و رأس من، ۱۳۹۵). این روش نخستین بار از سوی ژوزف مار ژراندو دانشمند مردم‌شناس فرانسوی برای راهنمای تحقیق مردم‌نگاری، در مأموریتی به مناطق بدوی در قرن ۱۹ مطرح شده، اما هرودوت، ابن بطوطه، ادریسی و ابن خلدون پیش‌تر روش‌های مشابهی را به‌کار می‌بردند (کریمی رامشه، ۱۳۹۱). پژوهشگران با اهداف متفاوتی از روش‌های مشاهده مشارکتی و تئوری زمینه‌ای برای تفسیر و درک پدیده‌ها بهره برده‌اند. وحیدی و همکاران (۱۳۹۶) علل عدم تحقق برنامه‌ریزی کاربری زمین در طرح‌های پیشنهادی را طی مصاحبه با ۱۴ نفر از مطلعین به روش فوق انجام و شرایط زمینه‌ای مؤثر، شرایط تداوم روند حاضر و پیامدهای ناشی از آن را شناسایی کرده‌اند. حمه‌جانی و همکاران (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از نشانه‌های متنی از این روش برای کشف معانی معماری هورامان تخت استفاده و با خوانش آن به‌مثابه یک متن، مقولاتی نظیر: انسجام فضایی و حضورپذیری فضا را تدوین کرده‌اند. پژوهشی دیگر با هدف تبیین مفهوم روستای خوب در روستای انبوه‌گیلان انجام و طی آن جامعه هدف (کودکان و نوجوانان) با نگاهی جستجوگرانه، محیط پیرامون خود را توصیف و ترسیم کرده‌اند. دانش‌آموزان سطوح بالاتر بیشترین توجه را به امکانات و محیط کالبدی روستا و کودکان دبستانی توجه بیشتر را به طبیعت و محیط پیرامون خود معطوف داشته‌اند (کوکبی، ۱۳۹۲). رحیم‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) نیز با هدف شناخت جنبه‌های کاربردی حفاظت و مرمت و یافتن راه‌هایی برای انتقال میراث گذشته به آیندگان، از این نظریه استفاده کرده‌اند.

بوده و مؤلفه‌ها علاوه بر اهمیت خود، در تعامل با یکدیگر نند (الکساندر، ۱۳۸۱). از نگاه او درک پیچیدگی‌های هر محیط مستلزم ایجاد ساختاری از اطلاعات مشخص و ساده شده است که قادر باشد مسائل را همساز با ذهن انسان به سطوح قابل درک سوق دهد. نوربرگ شولتز آبادی (روستا) را صحنه رخداد سکونت طبیعی انسان در راستای هویت یافتن و احساس تعلق داشتن به مکان می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۴). در اثر کنش‌های محیطی، رفتارها، آداب و رسوم، پس‌زمینه‌های شخصیتی و رسوخ فرهنگ در طول زمان، ادراکات ذهنی افراد شکل می‌گیرد که ابزار بسیار مهمی در معنا بخشیدن به منظر محسوب می‌شود (Motloch, 2000). پارادایم طبیعت‌گرایانه جنبشی برای مقابله با دیدگاه سنتی پوزیتیویستی (اثبات‌گرایی) بوده و بر این فرض استوار است که واقعیت، چیزی نیست که همه افراد به‌طور یکسان آن را مشاهده و تجربه کنند (فلیک، ۱۳۹۶) و پیرامون آن سخن بگویند (مطلق و فتحی، ۱۳۹۱). بلکه به دلیل تفاوت انسان‌ها، واقعیت مورد مشاهده به تفسیر افراد متفاوت بوده و به ذهنیت و ادراک هر شخص وابسته است؛ فرایند ادراک نیز از مجموعه داده‌های محیطی که از بدو تولد هر انسان به کمک سامانه عصبی پیچیده گردآوری، تحلیل و پردازش می‌شوند، شکل می‌گیرد (Kaplan, 1987)؛ بنابراین انسان برای معنابخشی و تفسیر اطلاعات محیطی به تجارب و دانش قبلی خود وابسته است.

مطالعه پدیده‌ها با روش «نظریه زمینه‌ای» به کمک برقراری دیالوگ با طیفی از افراد و طی تفاهم یا گاهی تقابل مصاحبه‌شونده و مصاحبه‌گر شروع می‌شود و در روستاهایی که قدمت بیشتر یا تاریخ مکتوب کمتری دارند، قادر است به اطلاعاتی درباره موضوع مورد مطالعه دست یابد (Brouwer & martijn, 2009). شیوه «مشاهده مشارکتی» با هدف نگاه از درون بوده و برای تفسیر و درک مناسب رفتار انسان‌هاست (دانشگر مقدم و

زندگی و با تجارب متفاوت، مصاحبه‌شوندگان طیف و توزیع مناسبی از لحاظ شغل، سطح سواد، جنسیت و سن داشته و هر یک به‌عنوان نماینده گروه خود (کودکان، نوجوانان، میانسالان و سالمندان) در نظر گرفته شده‌اند و شغل آن‌ها دامدار و چوپان، کشاورز و باغدار، کارگر و مطلعین محلی مانند دهیار و اعضای شورا، معمار و روحانی روستا است. پانزده مورد مصاحبه عمیق به‌همراه مشاهده مشارکتی صورت گرفته و تا حدی که پاسخ‌ها به اشباع نظری برسد و نکات جدیدی از خلال آن‌ها قابل استخراج نباشد، ادامه یافته است.

۲-۴. تحلیل داده‌ها

نظریه زمینه‌ای در زمره روش‌های استقرایی است و برخلاف رهیافت قیاسی که با نظریه‌های کلی و فرضیه‌هایی برای آزمون تجربی شروع می‌شود، کار خود را با مشاهده شروع و الگوها، مضامین یا مقوله‌های عام را پیش می‌نهد (Glaser, 1978; Strauss, 2010). نظریه فوق روشی کلان از تحلیل مقایسه‌ای بوده و از داده‌هایی که به‌صورت منظم در جریان پژوهش گرد آمده و تحلیل شده‌اند، تشکیل می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۷). در این پژوهش طی فرایند تحلیل داده‌ها، از همان نخستین مرحله پژوهش، داده‌ها به‌صورت سیستماتیک جمع‌آوری، سپس خط به خط و به‌دقت خوانده و به کوچکترین جزء ممکن شکسته شده‌است. در ادامه داده‌ها تفسیر و اصطلاحاً رمزگذاری شده‌اند (کدهای سطح یک). در مرحله بعد مفاهیم مشابه در ارتباط با یکدیگر قرار گرفته و رمزهای سطح دوم پدید آمده‌اند. به‌تدریج در مرحله رمزگذاری گزینشی خط اصلی داستان و مفهوم اصلی از دل داده‌ها استخراج و فرصت داده شده تا مفاهیم نهفته در داده‌های خام، به تدریج و گام به گام خود را نشان دهد تا پژوهشگر را قادر به کشف و توضیح اینکه در محیط چه روی داده‌است سازد. روند پژوهش، متشکل از ابعاد نظری و اجرای روش پژوهش، در قالب مدل مفهومی در شکل ۱ نشان داده شده است.

۲. مواد و روش‌های پژوهش

پژوهش از نوع کیفی و در بردارنده مطالعات ژرفانگر و محقق محور است. این نوع پژوهش قادر است معانی که افراد به پدیده‌های اجتماعی- فرهنگی می‌دهند را کشف کند (فرهنگی و صفرزاده، ۱۳۹۳). روش استفاده‌شده در پژوهش، نظریه زمینه‌ای به همراه مشاهده مشارکتی بوده و طی آن داده‌ها مرحله به مرحله گردآوری و تحلیل شده و تفسیرها نگارش شده است.

۲-۱. نوع داده‌ها

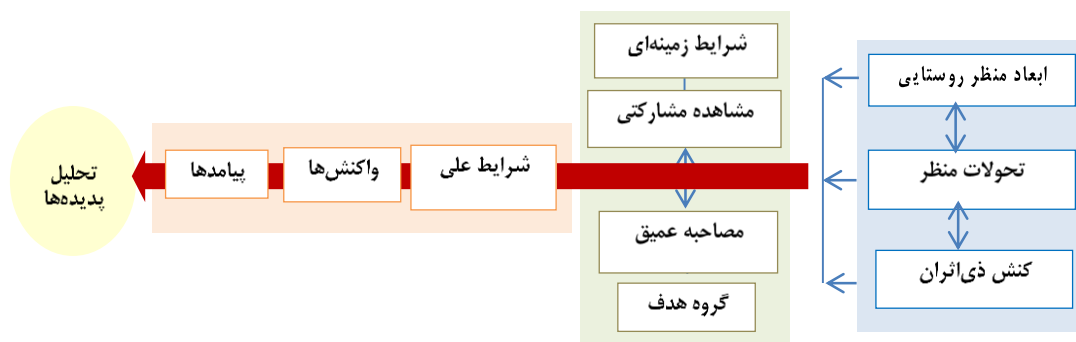
روش نظریه زمینه‌ای به دنبال یافتن پاسخ‌ها، عوامل و فرایندهای مورد نظر، برخواسته از زمینه و متن جامعه محلی است و در آن نشانه‌ها و آثار خاص بومی (اعم از بناها و صنایع)، نمادها و سمبل‌ها نیز مانند سایر اجزاء و ویژگی‌ها مورد کاوش قرار می‌گیرند (مارشال و رأس من، ۱۳۹۵) تا پژوهشگران را به درک دانش بومی آن سرزمین و تحلیل فرایندها قادر سازند. داده‌های پژوهش از دل مشاهدات مشارکتی و مصاحبه با ذی‌اثرانی که مستقیماً با موضوع مرتبط هستند استخراج شده؛ برای این منظور با برقراری دیالوگ (مصاحبه عمیق) با ساکنان روستا، تلاش شده تا اطلاعات غیرمکتوب و شفاهی پیرامون موضوع پژوهش در دسترس قرار گیرد. در عین حال تنها داده‌های قابل مشاهده مورد توجه نبوده، بلکه پژوهشگر نگاه خود را از واقعیات ظاهری به درون رویدادها کشانده و به دنبال کشف حقیقت ناپیدا و پی بردن به مفهوم مسائل بوده‌است.

۲-۲. شیوه‌های گردآوری داده‌ها

در پژوهش ضمن انجام مصاحبه عمیق (رسمی یا نیمه سازمان یافته) و مشاهده مشارکتی، با مراجعه به اسناد و منابع علمی، ترکیبی از منابع گردآوری شده و به‌عنوان راه معتبری برای دسترسی به داده‌ها به کار رفته است.

۲-۳. جامعه آماری

برای اطمینان از کسب نظرات ذی‌اثران در دوران مختلف



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

منبع: نگارنده

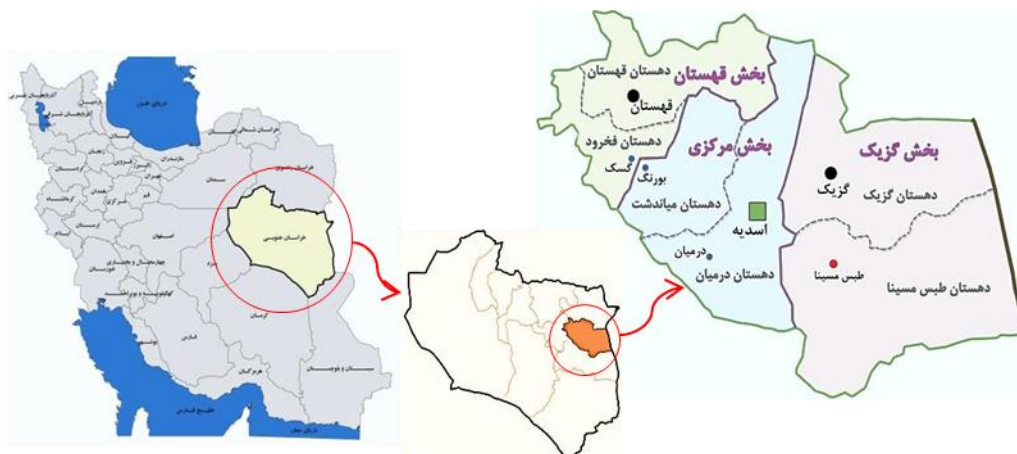
برخی قله کوه‌ها، نشانه تنوع زیستی بالای منطقه بوده و پس از جمع‌آوری به بازار عرضه می‌شود.

- **منظر کشاورزی روستا** - اطراف فورگ را دشت‌های وسیع با باغستان‌های زرشک احاطه کرده، به‌طوری که منظر روستا از درون به بیرون به درختان سرخ زرشک ختم می‌شود (شکل ۳). منابع آب کشاورزی شامل ۲ قنات و رودخانه فصلی است. عمده‌ترین درختان باغی چندساله بادام، زرشک و انگور است که در نقاط روستایی به‌ویژه در شاخه‌های آبدار رودخانه دیده می‌شود. سایر درختان شامل: توت، گردو، گلابی، زردآلو و سیب و محصولات زراعی: گندم، جو، تره‌بار و چغندر قند است.

۲-۵. مطالعه موردی

فورگ روستایی کوهپایه‌ای، تاریخی، واقع در اقلیم گرم خشک و از توابع شهرستان درمیان خراسان جنوبی است (فرهنگ جغرافیایی درمیان، ۱۳۸۸). منظر آن ترکیبی از کوهستان، رودخانه فصلی درمیان، باغات و بافت روستا است (شکل ۲).

- **منظر طبیعی روستا** - زیستگاه جانوران و پرندگانی نظیر روباه، شغال، گرگ، کبک و تیهو و گیاهان مرتعی کوهستانی با غالبیت گونه درمنه است که در تمام ناحیه، به‌ویژه دامنه‌های پرشیب کوهستان‌ها و کف دره‌ها یافت و به مصرف چرای دام می‌رسد (گزارش طرح بهسازی بافت با ارزش، ۱۳۸۵). وجود گونه‌های گیاهان دارویی از جمله بومادران، کنیرا، گل زرد و ترشک در مناطق کوهستانی و



شکل ۲. نقشه روستای تاریخی فورگ در مرز شرقی ایران

منبع: نگارنده بر مبنای نقشه‌های پایه ایران، استان خراسان جنوبی و شهرستان درمیان

در حالی که در آمار سال ۱۳۵۵ تعداد ۷۵ دستگاه قالیبافی وجود داشته، اکنون تنها موارد انگشت‌شماری باقی مانده‌اند.

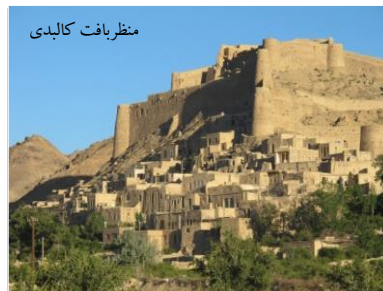
۳. یافته‌ها و تحلیل

منطبق با روش پژوهش، گردآوری داده‌ها و تحلیل آن در امتداد و ارتباط با یکدیگر انجام شده است. مصاحبه‌های عمیق و هدفمند با سؤالات باز، با هدف دستیابی به نظر طیف‌های مختلف ساکنین روستا به‌ویژه مطلعین محلی انجام و تا زمانی که پاسخ‌ها به حد اشباع نظری برسد ادامه یافته؛ هم‌زمان با مصاحبه، از روش مشاهده مشارکتی نیز برای تکمیل پژوهش و تبیین فاکتورهای عینی تشکیل‌دهنده منظر استفاده شده است.

۳-۱. زمینه‌های پرسش شده

با هدف شناسایی فاکتورهای ذهنی شکل‌دهنده منظر، سؤالاتی حاوی زمینه‌ها و مباحث (جدول ۱) از مصاحبه‌شوندگان پرسیده و پس از آغاز بحث، پژوهشگر با در نظر داشتن هدف، مبحث را به‌صورت موشکافانه به چالش کشیده است؛ به‌گونه‌ای که پس از طرح مبحث و دریافت پاسخ‌ها، سؤالات مرتبط بیشتری از درون پاسخ‌ها استخراج و بحث ادامه یافته است. مصاحبه‌ها ضبط و پس از انجام هر مصاحبه، متن آن پیاده‌سازی و داده‌ها استخراج شده؛ سپس در مراحل بعد داده‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته، مفاهیم توسعه یافته و معنی بخشی شده‌اند.

منظر بافت کالبدی روستا- کوچه‌های تنگ، ساباط‌های متعدد، معماری کوهستانی و پلکانی، ایوان و ورودی‌های تعریف شده بافت کالبدی این روستای تاریخی را تشکیل می‌دهند. گونه‌های معماری کویری، کوهپایه‌ای و دشتی در ساخت بناهای روستا مشاهده می‌شود. نحوه استقرار اغلب خانه‌ها به‌صورت مجتمع بوده و برای ساخت آن‌ها از مصالحی مانند سنگ و چوب، خشت و چوب (خانه‌های سنتی) و آجر، آهن و بلوک سیمانی (ساخت‌وسازهای جدید) استفاده شده است. مهم‌ترین اثر تاریخی و شاخص روستا قلعه فورگ (میرزا رفیع‌خان) است که یکی از ۱۰ قلعه بزرگ کشور به‌شمار می‌رود و بدون وجود پی روی صخره طبیعی ساخته شده است. درون بافت تاریخی روستای فورگ مجموعه بناهایی مانند حوض، حمام و مدرسه میرزا، مدرسه علمیه، دروازه‌های ورودی و کاروانسراهای روستای فورگ در ارتباط با قلعه و حریم آن وجود داشته‌اند (رفیعی و آزمون، ۱۳۹۶) که برخی از آن‌ها هنوز پابرجاست. مسجد جامع، زیارتگاه پیرسبز در مجاورت جنوب شرقی روستا و زیارتگاه پیردوشنگان (خارج از روستا) آثار شاخص روستا هستند. بناهای غیرمسکونی روستا شامل دبستان، مدرسه راهنمایی مختلط، شورای اسلامی روستا، دفتر مخابرات، خانه بهداشت، حمام عمومی، نانویی و مساجد محلات است. روستاییان به کشاورزی، دامداری، باغداری و قالیبافی اشتغال دارند. قالیبافی توسط مردان انجام می‌شود و



شکل ۳. زوایایی از منظر روستای تاریخی فورگ، خراسان جنوبی

منبع: نگارنده

جدول ۱. برخی مباحث مطرح شده طی مصاحبه

دلبستگی به روستا و دلایل آن	تأثیر تابش، وزش باد، بارندگی و رطوبت بر بافت	تفاوت ارجحیت روستای فورگ با سایر روستاها
رضایتمندی از محیط روستا و دلایل آن	میزان مرغوبیت زمین از دید روستائیان و دلایل آن	نقاط دارای بیشترین دید به روستا و اطراف
نگرش روستائیان به شهر	دسترسی‌ها و مسیرهای مناسب	دافعه / جاذبه‌های روستا
تأثیرپذیری روستائیان از زندگی شهرنشینی	استفاده از روش و تکنولوژی جدید و دلایل آن	نقاط جاذب جمعیت و مکان‌های تفریحی روستا
ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی غالب و تأثیر بر محیط روستا	کاشت گونه‌های گیاهی متنوع	بهترین منظره روستا
وضعیت همکاری / تعاون / مشارکت / کارگروهی	وسعت زمین‌های کشاورزی آبیاری و دیم	تنوع منابع طبیعی اطراف روستا
میزان پذیرش / مقاومت جامعه در برابر تغییر و تحول	آبیاری مزارع و باغات	تنوع جانوری و گیاهی و میزان توجه مردم به آن‌ها
آداب، رسوم و آئین‌های مذهبی و تأثیر بر بافت روستا	توجه مردم به محیط پیرامون خود	مراعات / چراگاه‌ها، عرصه‌های جمع آوری گیاهان دارویی
پابندی / تأکید بر مذهب، رسوم و آداب و تأثیر بر روستا	جهت فیزیکی توسعه روستا و دلایل آن	دسترسی به سفره‌های آب زیرزمین / آب‌های سطحی
معیشت غالب در روستا و سایر راه‌های کسب درآمد	تفاوت / ترجیحات بافت قدیم و بافت نوساز	حفظ محیط زیست، وضعیت بهداشت / دفع مواد زائد / فاضلاب
وضعیت اقتصاد درون‌زا / برون‌زا	فضاهای جمعی و مراکز محله	زمین‌های حاصلخیز و مرغوب

منبع: نگارنده، سؤالات پژوهش

متن مصاحبه در شکل (۴) و شکل (۵) بیان شده است. برای انتزاعی کردن داده‌های خام، آن‌ها به تدریج به مفاهیم تبدیل شده‌اند (جدول ۲) تا بتوان ساختاری که در دل آن‌ها نهفته است را آشکار ساخت. این کار به کمک به‌کارگیری یک سیستم باز کدگذاری؛ تجزیه خط به خط داده‌ها؛ تشخیص نکات نهفته و تخصیص کد به هر یک انجام شده است. برای اطمینان از بررسی کامل اطلاعات، تلاش شده حداکثر کدهای ممکن تشخیص داده شوند. مفاهیم (کدهای سطح ۱)، طبقه‌هایی هستند که از الگوهای برخاسته از داده‌ها ریشه می‌گیرند. برای کدگذاری، ضمن مقایسه پایای گزاره‌های متن مصاحبه با ادبیات نظری منظر روستایی، مفاهیم معنی‌بخشی و توسعه یافته است.

به دلیل آشنا نبودن جامعه محلی با مباحث علمی و اصطلاحات تخصصی منظر، سؤالات به‌طور مستقیم مورد پرسش قرار نگرفته، بلکه زمینه‌های مرتبط با پژوهش به‌طور ساده مطرح و مصاحبه‌شوندگان، پاسخ‌ها و دلایل آن را به زبان خود بیان کرده‌اند. مطابق روش، از خلال صحبت‌ها و واکنش‌های آن‌ها و قیاس پیوسته با ادبیات منظر، نکات کلیدی و پاسخ‌های نهفته در آن به کدها تبدیل و مرحله به مرحله استقراء یافته‌اند.

۲-۳. کدگذاری باز (مبنا)

در نخستین مرحله تجزیه و تحلیل، متن‌های طولانی و متعدد مصاحبه (داده‌های خام) به جمله‌ها (کوچک‌ترین واحد) شکسته شده است. بخش کوتاهی از جمله‌های حاصل از

"روستای فورگ در کل منطقه درمیان منحصر به فرد است..."
 ... "هر محله برای خودش مسجد دارد. فقط جمعه‌ها در مسجد جامع جمع می‌شویم."
 ... "اینجا کسی برای تعمیر خانه‌اش از وام دولتی استفاده نمی‌کند."
 ... "اینجا وطن ما است، زندگی و دلبستگی ما همین جاست، ما متعلق به این خاک هستیم."
 ... "در باغ که مشغول کار هستیم همان تفریح ماست."
 ... "گوسفندان را که برای چرا به کوه و دشت می‌بریم خودمان نیز گشتی می‌زنیم."
 ... "برای تفریح به پیرسبز می‌رویم..."

شکل ۴. بخش کوتاهی از جملات متن مصاحبه (مصاحبه‌شونده: مرد، ۶۵ساله، کشاورز و عضو شورا).

منبع: نگارنده، متون مصاحبه

"... به پیرسبز که می‌رویم، هم زیارت است هم تفریح."
 ... "الان مرغوب‌ترین جای روستا نزدیک جاده ورودی است، چون فضا باز است."
 ... "باغات و زمین‌های نزدیک قنات هنوز سرسبز و آبادند."
 ... "کارگاه‌های قالی بافی که تعطیل شد، باغستان‌های زرشک بیشتر شدند."
 ... "بین باغستان‌ها دیوار نمی‌کشند، مرز با نشانه‌ای مشخص می‌شود..."

شکل ۵. بخش کوتاهی از جملات متن مصاحبه (مصاحبه‌شونده: زن، ۴۳ساله، خانه‌دار).

منبع: نگارنده، متون مصاحبه

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری مبنا بر اساس بخش کوتاهی از جملات متن مصاحبه

متن مصاحبه	داده‌های مصاحبه	مفاهیم نسبت داده شده (کدهای سطح ۱)
...روستای فورگ در کل منطقه درمیان منحصر به فرد است...	منحصر به فرد بودن روستا	حس مکان، کیفیت منظر
...هر محله برای خودش مسجد دارد...	تفکیک مساجد محلات	نظام اجتماعی حاکم بر سازمان فضایی، تاثیر مذهب در تقسیم محلات
...فقط جمعه‌ها در مسجد جامع جمع می‌شویم...	مسجد جامع	عناصر شاخص، مذهب، اتحاد
... "اینجا وطن ما است، زندگی و دلبستگی ما همین جاست، ما متعلق به این خاک هستیم..."	وطن، دلبستگی، تعلق	تعلق به مکان
...در باغ که مشغول کار هستیم همان تفریح ماست...	کار در باغ	معیشت، منظر کشاورزی، ترکیب زیبایی و سودمندی
...گوسفندان را که برای چرا به کوه و دشت می‌بریم خودمان نیز گشتی می‌زنیم...	چرای گوسفندان، کوه و دشت	منابع طبیعی، معیشت، ارزش‌های منظر طبیعی، تفریح
...اینجا کسی برای تعمیر خانه‌اش از وام دولتی استفاده نمی‌کند...	نگرفتن وام	پایبندی به مذهب، مقاومت به تغییر، خصوصیت غالب جامعه
...برای تفریح به پیرسبز می‌رویم... ...به پیرسبز که می‌رویم، هم زیارت است هم تفریح...	پیرسبز	عناصر شاخص، گردش، مذهب
...الان مرغوب‌ترین جای روستا نزدیک جاده ورودی است، چون فضا باز است...	مرغوبیت خانه‌های نزدیک جاده ورودی	پاسخ به نیاز، تمایل به استفاده از تکنولوژی، نوگرایی
...باغات و زمین‌های نزدیک قنات هنوز سرسبز و آبادند...	سرسبزی باغات نزدیکی به قنات	دسترسی به منابع آب، الگوی پراکنش زمین، کیفیت منظر
...کارگاه‌های قالی بافی که تعطیل شد، باغستان‌های زرشک بیشتر شدند...	تعطیلی کارگاه، افزایش باغات	تاثیر عوامل بیرونی بر معیشت، تغییر روش کسب درآمد، افزایش فشار بر منابع خاک و آب، منظر کشاورزی
...بین باغستان‌ها دیوار نمی‌کشند، مرز با نشانه‌ای مشخص می‌شود...	عدم وجود مرز بین باغستان‌ها	پیوستگی فضایی، وسعت دید

منبع: نگارنده، متون مصاحبه

کامل هر طبقه، تلاش بر تحلیل و مقایسه پیوسته طبقات با یکدیگر بوده و نتیجه نهایی یافتن مرکز (محورها یا کدهای سطح ۲) است. طی پژوهش، ۳۴ محور متمایز شناسایی و کدگذاری شدند؛ به دلیل محدودیت، تنها دو محور ۱۰ (جدول ۳) و محور ۱۲ (جدول ۴) بیان شده است.

۳-۳. کدگذاری محوری یا سطح دوم

با مقایسه مفاهیم (کدهای سطح نخست)، کدهای مشابه در یک طبقه بندی قرار داده شده و متناظر با هر محور، کدی عددی اختصاص یافته است. تفاوت ها و تضادها، کدگذاری هم زمان و پیوسته در این مرحله را که به درک عمیق پدیده و تعمیق در آن می انجامد، ممکن می سازد؛ با هدف تمایز

جدول ۳. نمونه ای از کدهای باز (مفاهیم) و کدهای محوری (محورها) - محور ۱۰

محورها (کدهای سطح ۲)	مفاهیم نسبت داده شده (کدهای سطح ۱)	داده های مصاحبه
	ارتباطات / تحرک مکانی	راه دسترسی
	دسترسی / بستر سنگی و سخت / سازمان حرکتی	مسیر کوهستانی
	دسترسی / بافت کالبدی	کوچه های باریک
۱۰	مقایسه شهر و روستا / نوگرایی / تغییر نگرش	مسیر عریض به سبک شهر
	الگوی سنتی و جدید / تغییر نیازها	عرض باریک مسیرهای قدیمی
	سهولت دسترسی / دعوت کنندگی	عرض وسیع ورودی روستا
	تکنولوژی / مطلوبیت دسترسی / نوگرایی / پاسخ به نیازهای فعلی	مرغوبیت خانه های اطراف ورودی روستا

منبع: نگارنده، متون مصاحبه و یافته های پژوهش

جدول ۴. نمونه ای از کدهای باز (مفاهیم) و کدهای محوری (محورها) - محور ۱۲

محورها (کدهای سطح ۲)	مفاهیم نسبت داده شده (کدهای سطح ۱)	داده های مصاحبه
	نوگرایی / ترویج الگوهای غیربومی	سبک جدید معماری
۱۲	پذیرش تغییرات / نوگرایی	تغییر بافت جدید
	عناصر غیر بومی / جاذبه کمتر / بی توجهی به معماری بومی	کیفیت پایین بافت جدید

منبع: نگارنده، متون مصاحبه و یافته های پژوهش

۳-۴. کدگذاری انتخابی و مقولات

قرار گرفته اند و تعداد محدودتری طبقه به نام (کدهای انتخابی سطح ۳) تشکیل داده اند. به این ترتیب که محورهای متجانس و مفاهیم نزدیک به هم استقراء یافته و به طبقات محدود و مرکزی تری به نام «مقوله های اولیه» تقلیل یافته اند.

کدگذاری در سومین سطح برای یافتن فرایند (ادیب حاج باقری، ۱۳۹۴) و برقراری یکپارچگی در کدها و انسجام نهایی ضروری است. به این ترتیب طی فرایند پژوهش طبقات ۳۴ گانه مرحله قبل (محورهای سطح ۲) با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده و به صورت انتخابی در کنار یکدیگر

با ادامه روند پژوهش، مقوله های اولیه نیز مجدداً

کاهشی، مقوله‌های اولیه (ستون ۳) نیز ادغام و مقوله‌ای گزینشی با عنوان «تجانس و همگنی بافت روستا با زمینه» (ستون ۴) نمود یافته است.

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش حاصل از کاربست نظریه زمینه‌ای و مشاهده مشارکتی، ویژگی‌های بنیادین منظر روستای تاریخی فورگ طی روند پژوهش و در روندی مشابه جدول ۵ همه محورها و مقولات استقراء یافته و در نهایت در قالب ۵ مقوله اصلی استخراج و در جدول ۶ نشان داده شده است.

دسته‌بندی شده و در انتها طبقات مرکزی (مقوله‌های گزینشی) استخراج شده‌اند تا خط اصلی پژوهش یعنی «ویژگی‌های بنیادین منظر روستای تاریخی فورگ» را آشکار سازند. به این ترتیب در انتهای روند پژوهش مقوله‌های استقرار یافته در قالب ۵ مقوله اصلی گزینش و استخراج شده‌اند.

در جدول ۵ بخشی از کدهای ادغام شده سطح دوم (کدهای ۱۳، ۱۱ و ۱۴) به دلیل مشابهت و نزدیکی مفهوم انتخاب و تجمیع شده (ستون سوم) و تحت عنوان مقوله‌های اولیه نشان داده شده است. سپس در نظامی

جدول ۵. مقوله گزینشی «تجانس و همگنی بافت روستا با زمینه» حاصل از استقراء مرحله به مرحله مفاهیم، محورها و مقوله‌های اولیه

مقوله‌های گزینشی (سطح ۴)	مقوله‌های اولیه (سطح ۳)	محورهای (سطح ۲)	مفاهیم یا کدهای باز (سطح ۱)
		۱۱	ریتم/هماهنگی/تنوع
	تنوع منظر و کشش بصری	۱۱	تنوع کاربری/تنوع بصری/غنا بصری
		۱۳	ترکیب منظر طبیعی و مصنوع
تجانس و همگنی		۱۳	یکپارچگی اجزای منظر
بافت روستا با زمینه (مقوله ۳)	یکپارچگی منظر و تشکیل کل واحد	۱۳	دید باز/ کل نگر/ پیوستگی/کشش بصری
		۱۳	پیوستگی منظر/تنوع/تباين
		۱۳	انسجام فضایی/کشش بصری
		۱۴	بافت ارگانیک/ ترکیب اجزا/تجانس/یکپارچگی
	ترکیب منظر طبیعی، بافت کالبدی و منظر کشاورزی	۱۴	عناصر شاخص معماری بافت/منظر بافت کالبدی

منبع: نگارنده، متون مصاحبه و یافته‌های پژوهش

جدول ۶. مقولات اصلی (گزینشی) حاصل از جمع‌بندی و استقراء تدریجی همه کدها، محورها و مقولات اولیه پژوهش

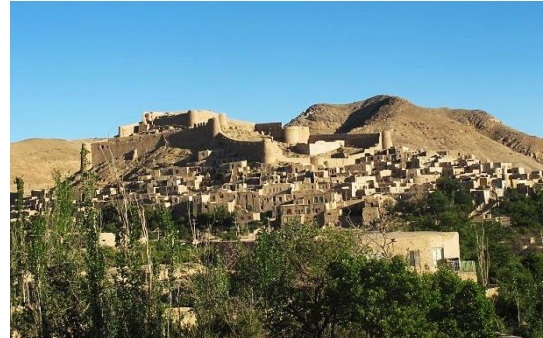
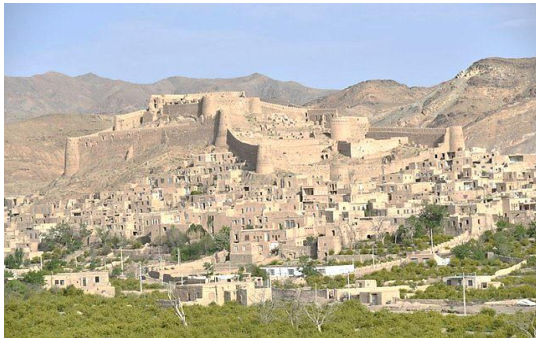
ردیف	مقوله‌های گزینشی
۱	برخاستن الگوی معماری بنا از فرم زمین و اقلیم
۲	غلبه باورها و عقاید بر شکل‌گیری منظر روستایی
۳	تجانس و همگنی بافت روستا با زمینه
۴	شکل‌گیری منظر بر پایه امنیت
۵	یکدستی و عدم تنوع منظر کشاورزی

منبع: یافته‌های پژوهش و تحلیل

۴-۴. فرایندها و روابط علل و معلولی پدیده‌ها

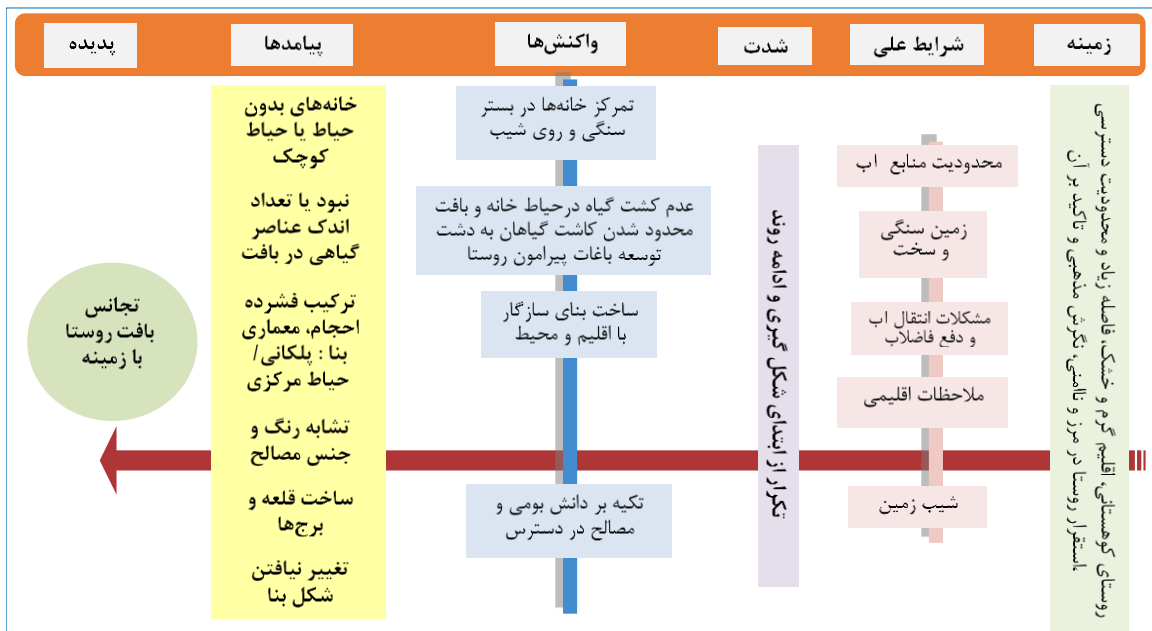
در روش مشاهده مشارکتی و نظریه زمینه‌ای برای درک عمیق خط اصلی پژوهش، فرایندهای شکل‌دهنده پدیده، از طریق جستجوی عوامل تأثیرگذار، واکنش‌ها و پیامدها، زمینه وقوع و تداوم، زنجیره‌های علت و معلولی، شدت و شرایط آن‌ها تحلیل و تفسیر می‌شود. در این پژوهش

به‌عنوان نمونه مقوله ۳ از جدول ۶ با عنوان «تجانس بافت روستا و زمینه» که یکی از ویژگی‌های بنیادین منظر روستای فورگ است انتخاب و تحلیل شده است (شکل ۸). اما این ویژگی بنیادین منظر روستایی فورگ طی چه فرایندها و شرایط زمینه‌ای نمود یافته است؟ (شکل ۷).



شکل ۷. مقوله تجانس بافت روستا و زمینه به‌عنوان ویژگی شاخص منظر روستای فورگ

منبع: نگارنده



شکل ۸. نمودار تحلیل فرایند یک از پدیده‌های نمود یافته در منظر روستای فورگ (تجانس بافت روستا با زمینه)

منبع: یافته‌های پژوهش

خوانایی و جهت‌یابی را تقویت می‌کند. در نگاهی همسو با او در تحلیل این ویژگی بنیادین منظر روستای فورگ، از خلال مشاهدات مشارکتی و کاربست نظریه زمینه‌ای، ردپای وحدت را در الگوهای معماری تک بناها، بخش‌های مختلف بافت روستا و در نحوه تقسیم محلات می‌توان دنبال کرد. با حرکت بر بام‌های به هم پیوسته خانه‌ها، که گاه تبدیل به حیاط خانه‌های دیگر می‌شود، خود را در ارتفاعی پایین‌تر از جای قبلی می‌یابیم. ایوان‌ها در نقاط مختلف بافت دیده می‌شوند و به‌عنوان تنها گشودگی‌های بافت فشرده و در هم تنیده، چشم‌های نظاره‌گر به وسعت دشت پیرامون و باغستان‌های زرشک را تداعی می‌کنند. برای بهره‌مندی حداکثری از زمین در بستر سنگی کوهستان، ساختاری عمودی در ساخت بنا و بافت دنبال شده که پیامد آن لغزیدن خانه‌ها به‌روی هم و درهم تنیدگی بافت است، به‌طوری که گاهی تشخیص مالکیت هر خانه دشوار است. تعبیه فضای سکونتی بر سابط از یک‌سو و اختصاص انتهای صخره‌ای بنا به آغل از سوی دیگر، تکمیل‌کننده حلقه‌های بهره‌مندی حداکثری از بستر سخت زمین و توجیه فشرده‌گی بافت مستقر بر آن است. پس از آنکه قلعه موقعیت نظامی خود را از دست داده، مصالح آن بعضاً در ساخت خانه‌ها به کار رفته است؛ کاربرد مصالح مشابه تشدیدکننده همگنی بافت است، همان‌طور که الگوی مناسب استفاده از مصالح نیز در همگنی و عدم اغتشاش بصری مؤثر است. عدم وجود پوشش گیاهی و درخت در حیاط خانه‌ها به دلیل نبود خاک و سختی زمین به‌همراه محدودیت منابع آب، عوامل دیگری بوده‌اند بر یکدستی بافت افزوده‌اند. با این همه، علیرغم تنوع در معماری بنا و تلفیقی بودن آن، این تنوع نه‌تنها خدشه‌ای بر وحدت منظر وارد نیاورده، بلکه تجلی منظر روستایی به‌صورت کلیتی موزون و منسجم را شاهدیم که از همه زوایا جلوه‌گر است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

روستای فورگ دارای عناصر منظرین ویژه‌ای است که هویت آن را شکل بخشیده و منحصر به فرد ساخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد منظر این روستا، همانند برخی دیگر از روستاهای بومی و تاریخی در جهت پاسخ به نیازهای ساکنین و در برهم کنش کامل با زمینه خود را نمایان ساخته است. تحلیل‌های حاصل از کاربست نظریه زمینه‌ای در این پژوهش، هم پیوندی بستر جغرافیایی، اقلیم، مرزهای سیاسی و مذهب را در شکل‌گیری منظر روستا نشان می‌دهد به طوری که ردپای هر یک از این عوامل را می‌توان در بافت کالبدی و در ترکیب آن با طبیعت پیرامون مشاهده و در خلال بیان و واکنش روستانشینان واکاوی و تفسیر کرد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حاصل تلفیق «زیست‌بوم و فرم زمین»؛ «معیشت و اقتصاد»؛ و «فرهنگ و مذهب»، در شرایط زمینه‌ای استقرار فورگ به‌عنوان روستایی مرزی، ویژگی‌های بنیادینی را در منظر آن رقم زده است که به کمک کاربست نظریه زمینه‌ای در قالب ۵ مقوله زیر قابل دسته‌بندی هستند. آن‌ها عبارت‌اند از: «برخاستن الگوی معماری بنا از فرم زمین و اقلیم»، «غلبه باورها و عقاید بر شکل‌گیری منظر روستایی»، «تجانس و همگنی بافت روستا با زمینه»، «شکل‌گیری منظر بر پایه امنیت» و «یکدستی و عدم تنوع منظر کشاورزی».

هر یک از این ویژگی‌های بنیادین در ادامه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

- «تجانس بافت روستا و زمینه» - خانه‌هایی با سقف صاف و حجم‌های مکعبی به‌گونه‌ای بر گرد قلعه تاریخی حلقه زده‌اند که گویی تپه‌ای هندسه یافته در مجاورت تپه‌ای طبیعی تجسم یافته‌است. به‌این ترتیب «پیوند منسجم بافت روستا با زمینه»، منظر روستایی هماهنگی را به‌وجود آورده‌است که در عین تنوع داشتن وحدت را به‌وضوح نمایش می‌دهد. هماهنگی و یکپارچگی بافت کالبدی به تعبیر آنتونسون (۲۰۱۸) به‌وجود آورنده وحدت و انسجام منظر روستایی بوده و

- «برخاستن الگوی معماری بنا و بافت از فرم زمین و اقلیم» - ویژگی بنیادین دیگری است که در هویت بخشی به منظر روستا مؤثر بوده است. تطابق یافتن بافت روستا با طبیعت، بافتی ارگانیک را به وجود آورده که توانسته بقا و سازگاری خود را در طول تاریخ حفظ کند. ردپای این ویژگی منظر روستایی را باید در «منطبق کردن جهت و زاویه چرخش بنا بر اساس تابش خورشید و جریان باد»، «تمایز الگوهای معماری وابستگی به ارتفاع و شیب زمین» و «کاربرد شیوه‌ها و مصالح بوم آورد» جستجو کرد. روستاییان بیان می‌دارند که «به دلیل وزش باد و تداوم سرما، خانه‌هایمان را به سمت آفتاب می‌سازیم تا از بیشترین استفاده از تابش را ببریم». با توجه به استقرار روستا بر دامنه و پیرامون قلعه تاریخی، شاهد چرخش بناها تحت تأثیر جهت تابش بر دامنه جنوبی تپه هستیم. به علاوه توسعه بافت در امتداد کشیدگی کوچه‌های عمود بر شیب بوده و دسترسی‌های اصلی به فرم پلکانی و هماهنگ با شیب قرار گرفته‌اند و دسترسی به حیاط از در ورودی گاهی با گذر از تعدادی پله امکان‌پذیر است. در نقاط مرتفع روستا، خانه‌های برون‌گرا با معماری پلکانی و فشرده، شاخص معماری کوهستانی و کوهپایه‌ای است؛ اما این تنها الگوی ساخت بنا در فورگ نبوده، بلکه هم‌زمان خانه‌های حیاط مرکزی درون‌گرا - شاخص معماری کویری - نیز وجود دارد؛ همان‌طور که خانه‌هایی با فضای زیستی در یک جبهه، دارای بالکن و ایوان - شاخص معماری دشت و جلگه - در قسمت‌هایی که شیب زمین به سمت دشت کشیده می‌شود، وجود دارد. یافته‌های پژوهش گویای تخلیه برخی از خانه‌های نامساعد از لحاظ دریافت تابش و نور و تهویه - ناشی از رطوبت بالا - در قسمت‌های فشرده و مرکزی بافت و کوچ آن‌ها به سایر قسمت‌های مساعد روستا از این جنبه است؛ که پاسخی برای سازگاری بهتر با اقلیم و انطباق با محیط است.
- «یکدستی و عدم تنوع منظر کشاورزی» - در بستر سنگی روستا، انباشت خاک فقط در قسمت‌های هموار و کم شیب دشت امکان‌پذیر است. وسعت باغات و تنوع محصول در گذشته بیشتر بوده، اما طی خشکسالی‌های پی‌درپی، کم‌آبی و خشک شدن رودخانه‌های فصلی و قنات‌های روستا - که به مصرف مزارع و باغات می‌رسید - را شاهدیم. به دلیل وجود فاصله از روستا، باغاتی که به قنات نزدیک‌ترین سرسبزترینند. از سویی در پی تغییر سیاست‌های صادرات فرش و تعطیلی کارگاه‌های قالی بافی، مردم به کشاورزی روی آورده‌اند؛ با افزایش تقاضای آب آبیاری، کمبود آن بیشتر نمایان شده. در این شرایط زمینه‌ای، واکنش روستاییان جایگزینی تدریجی درختان باغی قبلی با درختان دارای نیاز آبی کم - از جمله زرشک - که در شرایط اقلیمی و کم‌آبی تاب می‌آورد، بوده است. نتایج مصاحبه نشان می‌دهد با تشدید کمبود آب، دور آبیاری درختان از ۸ روز (به طور عادی) به ۱۶ روز و گاهی ۳۲ روز تقلیل یافته، در نتیجه علاوه بر یکدستی و عدم تنوع، کمیت و کیفیت محصول هم تحت تأثیر قرار گرفته، لذا اندیشیدن راهکارهای جایگزین برای تأمین درآمد و ادامه حیات روستا ضرورت دارد.
- «غلبه باورها و عقاید بر شکل‌گیری منظر روستایی» - در واکاوی ویژگی‌های منظر روستای فورگ، از خلال پاسخ‌ها و واکنش‌های مصاحبه‌شوندگان، به وجود عوامل ثانویه‌ای مانند پایبندی به اصول حاکم بر اجتماع و مقید بودن به آموزه‌های دینی و شرعی - ویژگی غالب جامعه - پی می‌بریم که ردپای خود را به‌طور غیرمستقیم بر منظر فورگ گذاشته‌اند. شکل‌گیری ساختار محلات بر مبنای فضا-مکان و الگوهای کالبدی تابع ساختار اجتماعی - انسانی است که مذهب نماد مهمی از آن به‌شمار می‌رود. به تعبیر لینچ (۱۹۹۷) شناسایی محله‌ها به دلیل داشتن برخی خصوصیات

بر تسلط قلعه بر کل روستا، می‌توان در جای جای بافت روستا واکاوی کرد. چنان که در قسمت‌های قدیمی بافت روستا، گذرها، دالان‌ها و مسیرهایی قابل مشاهده‌اند که از لحاظ عرض و دسترسی قابلیت استتار و مخفی شدن در شرایط امنیتی را به ذهن منتقل می‌کنند. این اجزا اگر چه امروزه نقشه عملکردی خود را از دست داده‌اند، اما گویای ویژگی پراهمیتی در منظر روستای فورگ هستند و ضمن هویت بخشی به روستا، از گذشته سیاسی و تاریخی آن حکایت دارند؛ آن‌ها پاسخی معمارانه و برهم‌کنشی هستند که ساکنان برای حفظ امنیت خود در زمینه جغرافیایی و با لحاظ مناسبات سیاسی زمانه خود در پیش گرفته بودند. در هم‌تنیدگی، تداخل بناهای مجاور و ارتباط آن‌ها از طریق حیاط و پشت‌بام، قابلیت دسترسی و حرکت بین بناهای مجاور به صورت ارتفاعی نیز گویای وجود مسیرهای مخفی و سهولت خروج یا اختفا در شرایط بحرانی بوده‌است. گسترش و چرخش ممتد قلعه به اطراف قله به همراه برج‌های متعدد، منظر غالب روستای فورگ را تشکیل می‌دهد که تقریباً از همه نقاط درون روستا و از فاصله زیاد بیرون روستا قابل مشاهده‌است. در مجموع باوجودی که قلعه و الحاقات آن امروزه عملکرد اصلی خود را از دست داده، اما همچنان به عنوان منشأ شکل‌گیری و تاریخچه روستا مطرح بوده و عنصر شاخص هویتی آن محسوب می‌شود، به طوری که بسیاری روستای فورگ را به قلعه تاریخی آن می‌شناسند و گردشگران زیادی را به خود جلب می‌کند.

مشترک محقق می‌شود و وحدت بافت کالبدی قادر به تبدیل محدوده‌ای به محله است. نتایج این پژوهش همسو با نظر او نشان دهنده هویت خاص و تشخیص محله‌ها در برگزاری مراسم جمعی، مذهبی و آیینی است و نمود آن را در مکان‌های عمومی (مرکز محله و گذر اصلی) می‌توان دید. هر محله مسجدی مجزا دارد که مورد استفاده ساکنان آن محل است اما روزهای جمعه همه در مسجد اصلی (جامع) جمع می‌شوند. نتایج مصاحبه‌ها نیز ارتباطات اجتماعی مناسب و همبستگی آن‌ها با یکدیگر را نشان می‌دهد. آن‌ها بنا به اصول شرعی از دریافت وام‌های بهره‌دار خودداری کرده‌اند؛ این ویژگی غالب جامعه مانع از تغییر بناها به واسطه دریافت وام شده‌است. علیرغم وجود پنجره و ایوان در جای جای بافت، هیچ بازشویی در دید مستقیم نیست و دست اندازها با ارتفاع مشخص برای حفظ حریمیت و در عین حال امکان دید یک‌طرفه از درون به بیرون بنا، در بالکن‌ها و فضای کوچک-حیاط نیم طبقه- پیش‌بینی شده‌اند.

- «شکل‌گیری منظر بر پایه امنیت»- شکل‌گیری روستای فورگ در موقعیت مرزی بر تپه‌ای که مشرف بر دشت است، امکان تسلط و دید کامل به دوردست و استقرار قله نظامی را فراهم آورده، این موضوع بنای اولیه شکل‌گیری روستا را رقم زده است. به طوری که قلعه قلعه ساخته شده و فعالیت‌ها درون آن شکل گرفته، سپس بافت روستا به تدریج ساخته شده است؛ قلعه، تنها عامل دفاعی در منطقه‌ای مرزی و در تهاجم افغان‌ها، ناحیه‌ای امن برای ساخت روستا بوده‌است. پاسخگویی بافت به نیاز ساکنان (حفظ امنیت) را علاوه

منابع

- ادیب حاج باقری، م. و همکاران. ۱۳۹۴. روش‌های تحقیق کیفی، انتشارات بشری.
- استراوس، ا. و کوربین، ج. ۱۳۹۷. مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه‌زمینه‌ای ترجمه: ابراهیم افشار، انتشارات نشر نی.
- اکرمی، غ. و سامه، رضا. ۱۳۹۴. تأملاتی بر بافت و معماری روستایی، جهاد دانشگاهی قزوین.

- الکساندر، ک. ۱۳۸۱. معماری و راز جاودانگی، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- لیاده، م. ۱۳۷۸. اسطوره بازگشت جادوانه، ترجمه: بهمن سرکاراتی، نشر قطره، تهران.
- بل، س. ۱۳۹۴. منظر، الگو، ادراک و فرایند، ترجمه: بهناز امین‌زاده، انتشارات دانشگاه تهران.
- بورکهارت، ت. ۱۳۸۱. هنر مقدس، ترجمه: جلال ستاری، انتشارات سروش، تهران.
- تقوایی، ح. ۱۳۷۹. میراث فرهنگی - طبیعی و گردشگری، دوفصلنامه صغه، ۳۰: ۲۶-۴۳.
- حمه‌جانی، ی.، بایزیدی، ق. و سحابی، ج. ۱۳۹۶. مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه‌شناسی، باغ نظر، ۵۷(۱۸): ۴۵-۶۲.
- دانشگر مقدم، گ.، بحرینی، ح. و عینی‌فر، ع. ۱۳۹۰. تحلیل اجتماع‌پذیری محیط کالبدی متأثر از ادراک طبیعت در محیط انسان ساخت، نشریه هنرهای زیبا، ۴۵: ۲۵-۳۶.
- رحیم‌نیا، ر.، قرائتی، م. و زمانی‌فرد، ع. ۱۳۹۴. کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های مرتبط با دانش بومی حفاظت؛ رویکردی برای پاسداشت میراث فرهنگی ناملموس، دانش بومی، ۴(۳۳): ۱۴۳-۱۷۵.
- رفیعی، م. آزمون، ز. ۱۳۹۶. قلعه میرزا رفیع‌خان فورگ: پایگاه حکومتی مرزبانان شرق قهستان، بیرجند: نشر چهار درخت.
- شعبانی، ن. ۱۳۸۵. برنامه‌ریزی سبزراه: تلفیق تفرج و حفاظت از منظر شهری نمونه موردی رود دره درکه-تهران، فصلنامه علوم محیطی، ۱۱.
- علی‌الحسابی، م. ۱۳۸۷. کندوکاوی در کیفیت طراحی روستایی، فصلنامه آبادی، ۶۰: ۶-۱۱.
- فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور. (۱۳۸۸)، استان خراسان جنوبی: شهرستان درمیان، انتشارات سازمان جغرافیایی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ۴۹، تهران.
- فرهنگی، ع.ا. و صفرزاده، ح. ۱۳۹۳. روش‌های تحقیق در علوم انسانی با نگرشی بر پایان‌نامه‌نویسی، ناشر: برابند پویش.
- فلیک، ا. ۱۳۹۶. درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی جلیلی، نشر نی، تهران.
- کوکبی، ل. ۱۳۹۲. تحلیل ادراک ذهنی دانش‌آموزان روستایی از مفهوم «روستای خوب» با استفاده از روش‌شناسی کیفی، مطالعه موردی روستای انبوه، دومین همایش برنامه‌ریزی و توسعه پایدار روستایی در ناحیه جنوبی دریای خزر.
- کریمی رامشه، م. ۱۳۹۱. مشاهده مشارکتی در تحقیقات اجتماعی در «مجموعه مقالات روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی»، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۳۳۹.
- گزارش طرح بهسازی بافت با ارزش. ۱۳۸۵. روستای فورگ خراسان جنوبی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- مارشال، ک.، رأس، م. و گرچن، ب. ۱۳۹۵. روش تحقیق کیفی، ترجمه: علی پارسایان و سید محمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران. روش تحقیق کیفی.
- مطلق، م. و فتحی، س. ۱۳۹۱. روش نظریه زمینه‌ای GTM، مجموعه مقالات روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی، ناشر: مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۳۶۵.
- نصر، س.ح. ۱۳۸۰. انسان و طبیعت، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. ۱۳۹۷. مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی، ترجمه: محمود امیریاراحمدی، نشر آگه.
- وحیدی برجی، گ.، نوریان، ف. و عزیزی، م.م. ۱۳۹۶. شناسایی علل عدم تحقق کاربری‌های پیشنهادی در طرح‌های توسعه شهری ایران با استفاده از نظریه زمینه‌ای، هنرهای زیبا، ۲۲(۱): ۵-۱۴.

یوسفی، ج. ازکیا، م. و گلدی، ع. ۱۳۹۶. تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و نوین با استفاده از نظریه بنیانی در احیاء، حفظ، نگهداری و بهره‌برداری از منابع طبیعی با رویکرد پساتوسعه، مطالعات جامعه‌شناسی، ۹ (۳۴): ۷-۳۱.

Antonson, H. 2018. Revisiting the “Reading Landscape Backwards” Approach: Advantages, Disadvantages, and Use of the Retrogressive Method. *Rural Landscapes: Society, Environment, History*, 5(1):4 .

Antrop, M. 2005. Why landscapes of the past are important for the future? *Rural Landscapes: past processes and future strategies*, *Landscape and Urban Planning Journal*, 70(1-2):21-34.

Banski, J. and Wesolowska, M. 2010. Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region – influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics, *Landscape Urban Plan.* 94: 116–126.

Brouwer. F. and Martijn van der heide, C. 2009. *Multifunctional Rural Land Management: Economics and Policies*, Cromwell press, London.

Butler, A. 2014. *Developing theory of public involvement in landscape planning- democratising landscape*, Doctoral Thesis, Swedish University of Agricultural Sciences, Uppsala.

Conzen, M.P. 2001. Cultural landscape in geography, In: N. J. Smelser & P.B. Baltes (Eds.), *International encyclopedia of the social and behavioral sciences*, pp.3086-3092.

Domona G. 2011. Landscape as resource: Consequences, challenges and opportunities for rural development, *J. Landscape and Urban Planning*, 100(4): 338-340

Glaser, B.G. 1978. *Theoretical sensitivity: advances in the methodology of grounded theory*, mill valley, California: The Sociology Press.

Gorka, A. 2016. Landscape rurality: new challenges for the sustainable development of rural areas of Poland, *Procedia Engineering*, 161:1373-1378.

Kaplan, S. 1987. Aesthetic, affect and cognition: environmental preference from an evolutionary perspective, *Environment and behavior*, 19 (1): 3-33.

Lynch, K. 1997. *Good city form*, MIT press.

Motloch, J.L. 2000. *Introduction to landscape design*, John Wiley .

Nasar, J.L. 1989. Perception, cognition, and evaluation of urban places. In: Altman I., Zube E.H. (eds) *Public Places and Spaces. Human Behavior and Environment (Advances in Theory and Research)*, Vol. 10, Springer, Boston, MA

Palang, H. et al. 2006. The forgotten rural landscapes of central and eastern europe, *Landscape Ecology*, 21:347–357

Paquette, S. and Domon G. 2003. Changing ruralities, changing landscapes: exploring social recomposition through a multi-scale approach, *J. Rural Stud.* 19: 425–444

Pauleit, S. et al. 2010. Transformation of rural-urban landscape, *Landscape Online* 20, PP. 1-10. Strauss, Anselm L. 1987. *Qualitative Analysis for Social Scientists*, Cambridge University Press.

Porteous, J. D. 2013. *Environmental Aesthetics: Ideas, Politics & Planning*, Routledge Publishing.

Rovai, M., et al. 2016. A DSS model for the governance of sustainable rural landscape: A first application to the cultural landscape of Orcia Valley, Tuscany, Italy, *Land Use Policy*, 56:217-237.

Strauss, Anselm L. 2010. *Qualitative Analysis for Social Scientists*, Cambridge, England: Cambridge University Press, Online publication .

Tilt, H. Jenna. et al. 2007. Understanding rural character: cognitive and visual perceptions, landscape and urban planning, 81: 14-26.

Trochim. E.M.K. 1999. *The research method knowledge base*, Ithaca, Cornell University Custom Publishing.